



نرود تا به قیامت از یاد

نام جاوید شهیدان جهاد

یاد گمنامان گردان ذوالفقار

می کند باز این دلم را بیقرار

به مناسبت سالروز شهادت شهید معزز حاج اسماعیل حسینی (تاریخ شهادت ۱۳۶۶/۱۰/۲۴)
زندگینامه شهید گرانقدر تقدیم حضور می گردد .



شهید حاج اسماعیل حسینی

اسماعیل ششم آبان ماه ۱۳۲۰ در خانواده ای مذهبی در روستای اسفجین از توابع زنجان متولد شد . تعالیم روح بخش اسلام را از پدر و مادر آموخت . سپس برای طلب علم و دانش راهی مدرسه شد و به آموختن علوم روز پرداخت . حضور مداوم وی در مساجد ، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن سبب شد تا وی ادامه فعالیت های مذهبی خود را پس از انقلاب در این سنگر دین

پی گیرد . مسجد برای او محل و مامنی بود که مسلمانان در آن جمع می شدند و پای بندی به اعتقاداتشان

گسترش می یافت . سال ۱۳۶۱ حاج اسماعیل همکاری خود را با دفتر پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان زنجان آغاز کرد . آغاز فعالیت وی در جهاد سازندگی ، رانندگی با پایه « ۱ » بود . او علاوه بر این در عملیات های بدر ، کربلای ۵ ، ۴ و ۱۰ ، شط علی ، نصر ۸ و ۹ و بیت المقدس ۲ شرکت داشت و با سمت های مختلفی در پیشبرد این عملیات ها نقش ایفا می کرد برای مثال ، در عملیات خیبر راننده ماشین های کمپرسی و تیرانداز دو شکا بود . در منطقه سقز ، فرماندهی گروهان مهندسی - رزمی یک محور بر عهده وی بود او اندامی ورزیده و پیکری قوی و نیرومند داشت بطوری که همزمانش می گویند با وزنی بیش از ۱۰۰ کیلو ، قادر بود کمپرسورهای ۳۰ تا ۴۰ کیلویی را به تنهایی تا ارتفاعات بر دوش کشد وساعت ها در مناطق صعب العبور پیاده روی کند . وی مشهور به «پهلوان جبهه ها» بود . عشق به معبود و پروردگار ، پیوسته آرزوی زیارت خانه خدا را در سر می پروراند ؛ تا آنکه از طریق پشتیبانی جنگ جهاد استان زنجان به سفر روحانی حج اعزام شد .





نرود تا به قیامت از یاد

نام جاوید شهیدان جهاد

یاد گمنامان گردان ذوالفقار

می کند باز این دلم را بیقرار

اما اشتیاق به جهاد در راه خدا، چنان در دل این مجاهد خدا لبریز بود که طولی نکشید با حال آشفته، به سرعت خود را به جبهه ها رساند. هنگامی که از حاج اسماعیل پرسیدند: « چرا چنین سراسیمه و با عجله خود را به جبهه رساندی ؟ » پاسخ داد : « حال عجیبی دارم مانند این است که ندایی درونی به من می گوید : حالا وقت غفلت نیست . احساس می کنم در موقعیتی هستم که امام حسین (ع) بی یاور شده و ندای « هل من ناصر ینصرنی » سر داده است . من باید همانند علی اصغر (ع) به ندای امام لبیک گویم . » ۲۴ دی ماه ۱۳۶۶ بود که هنگام وصال یار رسید . حاج اسماعیل حسینی ، این مجاهد خستگی ناپذیر ، در ارتفاعات « گردرش » منطقه ماووت با کمپرسور به چاله زدن برای ساخت جاده مشغول بود ، که به وسیله ترکش گلوله خمپاره از ناحیه گردن و دست راست عمیقاً مجروح شد . به راحتی نمی توانستند او را به عقب و پشت جبهه منتقل سازند . هم جاده بسیار ناهموار بود و هم خونریزی شدیدی داشت . مدت طولانی بدن مجروح حاج اسماعیل همانجا در حلقه یاران مانده بود که سرانجام به سبب خونریزی شدید به لقای حق شتافت و عمر پرثمرش با شهادت ختم به خیر شد . از این شهید بزرگوار ۶ فرزند (۴ دختر و ۲ پسر) به یادگار مانده است .

یادش گرامی و راهش پررهرو باد

با صلوات بر محمد و آل محمد و با قرائت فاتحه ای روح آن مرحوم عزیز را شاد گردانیم .



«»»» اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان ««««